

آورده. بخاری آن را از اهل علم نقل کرده است.»

ابومحمد عبدالله بن احمد قدامه (متوفای ۶۳۰ق) و ابوفرج عبدالرحمان بن ابی عمر بن محمد بن احمد بن قدامه (متوفای ۶۸۲ق)، که هر دو از ائمه فقه حنبلی اند، می نویسند: «مسئله: گفت: و کشته می شود مرد به زن و زن به مرد. این سخن همه اهل علم است، از جمله: النخعی، الشعبی، الزهیری و عمر بن عبدالعزیز مالک و اهل مدینه، شافعی، اسحاق، اصحاب الرأی و دیگران. و از علی روایت شده که گفته است: مرد به زن کشته می شود. به بستگان او نصف دیه پرداخت می گردد. این حدیث را سعید استخراج نموده و مانند آن از احمد، از حسن و عطا روایت شده و نیز از ابن دو نفر (اخیر) سخنی مثل عامه فقیهان نیز نقل گردیده و شاید کسانی که به قول دوم مایل شده اند، به سخن علی حجت آورده باشند، و دیگر آنکه دیه زن نصف مرد است، پس اگر مرد را کشتند، برایش مقدار دیگری از دیه (نصف) باقی می ماند و درین صورت از قصاص کننده او (بستگان مقتول) که اکنون قاتل را می کشند، گرفته می شود (چون دیه مرد، دو برابر زن است؛ وقتی او را به جرم قتل زنی قصاص کنند، افزونی دیه او را می پردازند.) و دلیل ما بر تساوی بدون پرداخت مازاد، سخن خدای متعال است که فرموده: «النفس بالنفس»، و فرموده: «الحر بالحر»، به ضمیمه عموم سایر نصوص. و به تحقیق ثابت شده که پیامبر ص یک یهودی را که سر دختری از انصار را با سنگ خرد کرده و کشته بود، قصاص کرد (بدون آنکه نصف دیه را به او بدهد.) و ابوبکر، پسر محمد، پسر عمرو، پسر حزم، از پدرش، از جلدش روایت کرده که پیامبر به اهل یمن نامه نوشته و در آن نامه از فریض و دندانها سخن رفته و آمده است: مرد به زن کشته می شود. آن کتاب، نزد اهل علم مشهور و پذیرفته شده است. (و دلیل دوم آنکه) زن و مرد، دو شخصیت مستقلند و هر کدام برای قذف دیگری، حد می خورند. پس قصاص و قتل هر یک به دیگری، مانند دو مرد است و با قصاص، چیزی (اضافه) واجب نیست که خود قصاص، واجب و لازم الاجرا است. و علاوه بر آن، چیزی دیگر بر قصاص کننده واجب نخواهد بود و مانند سایر قصاصها (در عضو). اختلاف بدنها، در قصاص معتبر نیست، به دلیل آنکه گروهی را به فردی واحد می کشند و نصرانی به مجوسی دستگیر و مجازات می شود، با آنکه در دین اختلاف

دارند، و برده را به برده می گیرند و قصاص می کنند، با آنکه بهای آن دو متفاوت است.» عمادالدین بن محمد طبری (متوفای ۵۰۴ق)، معروف به کیهاراسی می نویسد: «شافعی گفته: بین مردان و زنان در جان و عضو، قصاص جاری است و این سخن مالک و ابن ابی لیلی و ثوری و اوزاعی است. جز آنکه لیث بن سعید گفته: هنگامی که مرد نسبت به زن خود جنایت کند، دیه می پردازد، قصاص نمی شود و گویا او نکاح را نوعی بردگی پنداشته، پس در قصاص او را مشابه قرار داده...»

عمده دلیل کسانی که قصاص را (بین مرد و زن) واجب دانسته اند، استدلال به عمومیت است که مخصوص ندارد و در هیچ یک انضمام دیه به قصاص نیامده و گفته است - که بر او درود باد - ولی دم هر کشته ای میان دو چیز مختار است که بهترین را برگزیند: ۱- قصاص کند ۲- دیه بگیرد...

معنی سوم آیه چنان است که سفیان بن حسین از ابن اشوع از شعبی روایت کرده، گفت: بین دو طایفه از عرب جنگ بود و از هر کدام کشته شد. پس یکی از آن دو قبیله گفت: ما رضایت نمی دهیم، مگر آنکه برای زن (کشته شده)، مردی و برای یک مرد، دو مرد کشته شود.»

محمد بن عبدالرحمان دمشقی می نویسد: «فقیهان اتفاق کرده اند که زن به مرد کشته می شود و مرد به زن کشته می شود (زن را برای مرد و مرد را برای زن قصاص می کنند.

ابوبکر محمد بن عبدالله، معروف به ابن عربی، از فقیهان مالکی، چنین نوشته است: «مسئله چهارم: سخن خدای بزرگ که می فرماید: «و نوشتیم به آنان در آن کتاب که جان به جان است»، موجب قصاص مرد آزاد به زن آزاد است، به طور مطلق. و این را تمامی علما گفته اند و عطا گفته که بین آنان به تراجع (نظر خوانی) قضاوت می شود. پس هر گاه مردی، زنی را کشت، ولی زن، مخیر می شود. اگر خواست، دیه او را می گیرد و اگر خواست قصاص کند، نیم دیه مرد قاتل را می دهد و قصاص می کند. و عموم آیه، سخن او را مردود می داند. و پیامبر ص فرمود: بستگان مقتول بین دو چیز مخیرند، اگر دوست داشتند، می کشند یا آنکه دیه می ستانند و آن معنی به استدلال کمک می کند، زیرا مرد وقتی زن را بکشد، مرتکب قتل فردی شده که در خون با او برابر است. پس زیادتی واجب نیست، چنانکه بین دو مرد.»

قرطبی در اعتراض به گروه اول می‌نویسد: «و به این گوینده پاسخ می‌دهیم: اگر مرد با زن برابر نیست و مشمول این سخن پیامبر ص که: «مسلمانان در خون برابرنند» نمی‌شود، پس چرا مرد را می‌کشی و نصف دیه می‌گیری؟ اگر برابر نباشد، اساساً مرد نباید کشته شود و عالمان همه اتفاق دارند که دیه با قصاص جمع نمی‌شود و اینکه در صورت قبولی دیه، خون حرام است و قصاص برداشته. پس این سخن، نه اصل است و نه قیاس، این را ابو عمر گفته است.»

از کسانی که این نظریه را قبول دارند، تنها عثمان بنی گفته است: «زن اگر مردی را کشت، از مال او نصف دیه مرد گرفته می‌شود و آنگاه او را قصاص می‌کنند. اما اگر مردی نسبت به زن مرتکب جنایت نفس یا عضو گردد، تنها قصاص جریان دارد و هیچ دیه‌ای در کار نیست.»

و این یک نظریه نادر و استثنایی است و تا جایی که نگارنده بررسی کرده، از شخص دیگری شنیده نشده است.

بیهوتی در کشاف القناع می‌نویسد: «و مرد به زن کشته می‌شود و بستگان او هیچ چیزی نمی‌پردازند. به دلیل این سخن خدای بزرگ: «و کتبنا علیهم فیها النفس بالنفس.» دلیل دیگر آنکه پیامبر ص یک مرد یهودی را کشت که سر دختری بین دو سنگ گذارده بود. و باز به دلیل آنکه زن و مرد دو شخصیت مستقلند، هر کدام به قذف دیگری، حد

● در سده‌های نخست دوره اسلامی، به ویژه در زمان شیخ طوسی، که

برای اولین بار نظرات شیعه به طور

مفصل تدوین شد، مسئله برابری زن

و مرد در قصاص، مورد اتفاق همه

فقیهان، به جز چند نفری

انگشت شمار بوده است.

می‌خورند. پس مرد برای زن کشته می‌شود، چنانکه مرد برای مرد.»

۴ - استدلال‌های عقلی:

در سخن گروه دوم از فقیهان اسلام، که از اکثریت برخوردارند، دلایل و قرائین عقلی جالبی آمده است. در این فصل، این ادله را همراه با چند دلیل دیگر به نظر خوانندگان و جویندگان اسلام ناب می‌رسانیم:

۱ - هادویه گفتند برای قصاصی مرد قاتل زن باید از سوی اولیای زن، نصف دیه او پرداخت بشود و استدلال کردند که چون دیه زن، نصف مرد است، باید در قصاص نیز این مسئله رعایت شود. با این وصف، پرداخت نصف دیه بر همین اساس است. در پاسخ گفته شد: تفاوت زن و مرد در دیه، موجب تفاوت آنان در قصاص نیست. به همین علت است که برده هزار دیناری را به قتل برده بیست دیناری قصاص می‌کنند و تفاوت نمی‌ستانند.

بنابراین طرفداران دیدگاه تفاوت،^{۱۲} در این نظریه خود مرتکب قیاس شده‌اند و حال آنکه خود در همه جا قیاس را منکرند و طرفداران آن را محکوم و لعن می‌نمایند.

۲ - زن و مرد، هر یک شخصیت مستقلی دارند و هر یک به جرم قذف دیگری (اطلاق زنا و لواط)، شلاق می‌خورد. پس سزاوار است برای قتل یکدیگر نیز قصاص شوند و تفاوتی در بین نباشد.

گرچه این سخن به نوعی قیاس است اما عدالت اسلام اقتضا دارد که زن و مرد در برابر حکم جزایی اسلام، که سنگین هم هست، مساوی باشند. چطور زن برای زنا و شرب خمر و سرقت و برخی دیگر از حدود، به اندازه مرد مجازات می‌شود و هیچ تفاوتی برای او، که به قول بعضی موجودی ضعیف و ناقص است؛ در نظر گرفته نمی‌شود. اگر زن را ناقص و ضعیف، ریحانه و لطیف می‌دانید چرا باید مانند مرد برای زنا غیر محصن، یکصد ضربه شلاق بخورد و اگر با مرد برابر است، چرا دیه او ۵۰ درصد کمتر از مرد است و برای قصاص قاتل او، شرط پرداخت نصف دیه گذاشته‌اید؟ اگر این حکم در قرآن مطرح می‌شد یا از مسلمات حدیث و فقه ما بود، سخنی نمی‌توانستیم گفت، اما چون یک نظر استنباطی بوده و اکثر فقیهان اسلام با آن مخالفت کرده‌اند و برای سخن خود روایاتی هم دارند، نمی‌توان بدون چون و چرا از کنار آن گذشت.

۳ - اگر آقایان فقیهان، تساوی و تکافؤ زن^{۱۳} را در اسلام می‌پذیرند، چرا نصف دیه را از اولیای زن مقتول، به نفع مرد قاتل می‌گیرند؟

اصولاً زن و مرد یا در خون برابر هستند یا نیستند. اگر برابرند، نصف دیه معنی ندارد. اگر برابر نیستند، قصاص درست نیست.

۴ - فقیهان محترم شیعه در جایی که مردی، مادرش را بکشد، قایل به قصاص شده‌اند و سخنی از پرداخت نصف دیه

نمی‌آورند، و این خود مؤیدی برای نقض سخن آنان در پرداخت نصف دیه در موارد دیگر است، که آنان به طور عام و کلی مطرح کرده و از این استثناء نامی به میان نیاورده‌اند.

۵ - علاوه بر قرآن، در احادیث ما شیعیان، روایاتی است که برای بردگان نصف حد آزادگان را مقرر کرده است، مانند روایت امام ششم^{۱۴} که فرمود: «اذا ازنی العبد و الامة و هم محصنان فلیس علیهما الرجم انما علیهما الضرب خمسين نصف الحد.» = وقتی برده و کنیز زنا کنند و احسان هم داشته باشند، بر آنان رجم (اعدام) نیست و به مقدار نصف حد زنا، ۵۰ ضربه شلاق می‌خورند.»

آیا جامعه زنان آزاد، از مردان برده قوی‌هیکل کمتر است؟ اگر برای برده‌ها صرفاً به خاطر بردگی، تخفیفی در نظر گرفتیم، چرا برای زن که او را موجودی ضعیف و نحیف (!) می‌دانند، تخفیفی لازم نبوده است؟^{۱۵} ما از این نوع روایات می‌فهمیم که اسلام دین مساوات و عدالت است. دینی است که رفاه پیروان خود را سرلوحه کار خویش نهاد و در هر جایی که زمینه تخفیف باشد، از مجازات‌های سنگین صرف نظر کرده است. بنابراین در مورد زنان آزاده هم، از عدالت و مساوات فروگذار نکرده است. مرد آزاد و زن آزاد را یکسان نگریسته، چنانکه مرد برده و زن برده را. بگذریم از استنباط‌های استحسانی و جانب‌گرایانه برخی علمای سلف، که قدم فراتر نهاده، زن را در برابر مرد می‌کشند و تمام دیه مرد را نیز همراه با مجازات بدنی، از اولیاء او می‌گیرند.^{۱۶} و احیاناً خطای زن، عمد محسوب می‌شود و مستوجب مجازات اعدام می‌گردد، در حالی که مجازات قتل خطایی، دیه است و نه اعدام.

شیخ طوسی پس از نقل چند روایت در این مورد، این مضمون را توجیه می‌کند و می‌پذیرد که این مسئله برخلاف قرآن است. چه بسا افرادی که هنوز هم به استناد جمود بر روایات ضعیف و مخالف قرآن، چنین عقیده‌ای داشته باشند.

۶ - اصلی که مورد قبول قرآن است، برابری زن و مرد در برابر احکام جزایی اسلام است. مخالفت با اصل مذکور، دلیل قاطع و قانع‌کننده‌ای لازم دارد که در مورد قصاص نفس موجود نیست. اساس نزول قرآن و اجرای احکام آن بر عدل و قسط است:

... و انزلنا معهم الكتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط...



...و با آنان (پیامبران) کتاب و میزان
فرو فرستادیم تا مردم به عدالت خیزند...
(حدید، ۲۵)

...و ان حکمت فاحکم بینهم بالقسط...
...وقتی قضاوت کردی، به عدالت حکم
کن...
(مائده، ۴۲)

ان الله یأمر بالعدل والاحسان...

خدا به عدالت و نیکی فرمان می‌دهد...

(نحل، ۹۰)^{۱۳}

۷ - مسئله قصاص و دیات، مسئله جان و مال مردم است که در اسلام از اهمیت ممتازی برخوردار است. تا جایی که در فقه شیعه، تقیه تنها تا سرحد خون جایز شمرده شده است و نه بالاتر. با این وصف نظریه موافق احتیاط، همان نظریه مساوات است.

۸ - در فقه شیعه، زنی که از جان و مال و عرض خود دفاع می‌کند، مصون است و اگر مردی را بکشد، قصاص نمی‌شود (البته پس از ثبوت در محضر دادگاه لایق).

این مسئله موافق نظریه مساوات است زیرا اگر تفاوتی در کار بود، چون به نظر اینان جان مرد ارزش بیشتری از زن دارد، باید نصف دیه را می‌پرداخت، در حالی که چنین فتوایی وجود ندارد.

۹ - در مورد ارتکاب جنایت نسبت به جنین^{۱۴} و مرده، تفاوتی میان زن و مرد نگذاشته‌اند. این نیز مؤیدی برای نظریه مساوات است. اگر اسلام در قوانین جزایی خود تفاوتی میان زن و مرد می‌گذاشت و جنسیت را شرط نقض و کمال دیه یا تفاوت قصاص می‌دانست، باید در مورد جنین و مرده نیز این قانون اجرا می‌شد. اینها همه قرائن خوبی بر دیدگاه تساوی است که نشان می‌دهد اسلام زن و مرد را به دیده مساوات نگاه کرده و ارزش مادی جان آدمی را یکسان مقرر فرموده است.

● اگر زن ناقص و ضعیف،

ریحانه و لطیف است چرا باید مانند

مرد برای زنای غیرمحصن، یکصد

ضربه شلاق بخورد و اگر با مرد

برابر است، چرا دیه او ۵۰ درصد

کمتر از مرد است و برای قصاص

قاتل او، شرط پرداخت نصف

دیه گذاشته‌اند؟



● بر اساس دیدگاه تفاوت، بستگان زن مقتول، علاوه بر آنکه عزیزی از دست داده و دلشکسته شده‌اند، باید مخارج کلانی پردازند تا یک جنایتکار مجازات شود.

ممکن است برخی اعتراض کنند که اگر چنین است، چرا بردگان از این قانون مستثنی هستند. می‌گوییم در آنجا نیز مناقشه داریم. در شرایط قصاص، ما فقط شرط دیانت را می‌پذیریم و نه شرط رقیبت و جنسیت را. این بحث را به مجال دیگری موکول می‌کنیم. چنانکه در مورد قتل دسته جمعی، قایل به برابری کمی (عدد) هستیم و کشتن چند نفر را برای یک مقتول، اسراف در قتل ندانیم.

۱۰- بر اساس دیدگاه تفاوت، بستگان زن، علاوه بر آنکه عزیزی از دست داده و شکسته شده‌اند باید مخارج کلانی پردازند تا یک جنایتکار مجازات شود. اگر قصاص ای شافی و آرامش بستگان مقتول است، آن لی که می‌دهند خود یک نوع رنج و عذاب است و فلسفه قصاص را باطل می‌کند، ماصی که صرفاً برای حیات جامعه وضع و مصونیت انسانها را مطرح می‌کند.

۱۱- طرفداران دیدگاه تفاوت، تنها در یک مورد این مسئله، معتقدند که باید نصف دیه را قاتل داد و در صورت دیگر آن، یعنی جایی زنی، مردی را بکشد؛ می‌گویند لازم نیست نصف دیه مرد را بدهند. گرچه از عبارات صحت استفاده می‌شود که این سخن نیز بندگان زیادی داشته است و شیخ طوسی نهایتاً بدان تصریح کرده است.

اگر دیه زن نصف مرد است، باید در اینجا نصف قسمت مرد به بستگان او داده شود. اقل اختلاف فقیهان در این جا، حکایت استنباط فکری مسئله دارد، نه مسلم بودن.

۱۲- چون دیه، حداقل و حداکثر پولی رد و مردد بین شش چیز یعنی ۱۰۰ شتر، ۲ گاو، ۱۰۰۰ گوسفند، دو بیست حلهٔ یمنی، هزار درهم نقره، هزار دینار طلا است، بولاً بستگان مقتوله از پرداخت مازاد دیه یعنی نصف دیهٔ مرد که ۵۰ شتر، یا ۱ گاو، یا ۵۰۰ گوسفند، یا صد حله، یا پنج ر درهم، یا ۵۰۰ دینار طلا است، عاجزند ماص اجرا نمی‌شود و عملاً خون زن ول هدر می‌رود. ولی به استناد دیدگاه ری، چنین مشکلی پیش نمی‌آید و مردم به خوشبین خواهند شد و مردان نیز نت و جسارت پیدا نمی‌کنند دست به قتل بزنند.

۱۳- به استنباط نگارنده، نابرابری دیهٔ مرد و زن یک حکم واقعی و ابدی نبوده، بلکه بر اساس مصالح و سیاستها انجام گرفته است. شاهد این مدعا آن است که پیامبر ص دیهٔ مردان قبیلهٔ «خثعم» را نصف دیهٔ کامل قرار دادند. اینها همه به خاطر آن بوده که مردان، برابری را نمی‌پذیرفته‌اند و این مفهوم در روایات دیگری تصریح شده است مانند روایت شیخ طوسی^{۱۹}: «از امام ششم دربارهٔ مرد مسلمانی، که مردی از اهل ذمه (کفاری که در پناه مسلمینند) را می‌کشد، پرسیدند. گفت: این سخن شدید را مردم بر نمی‌تابند. لکن ذمی، دیهٔ مسلم را می‌دهد. آنگاه مسلم را برای قتل ذمی می‌کشند.»

شیخ طوسی مشابه همین روایت را چند سطر قبل از آن آورده است^{۲۰}. در برخی روایات آمده که: «مسلمانی را برای ذمی نمی‌کشند.» و برخی روایات دیگر، دیهٔ مسلم را با او مساوی می‌دانند.

به هر حال، استناد ما به جملهٔ «لا یحتمله الناس» در روایات شیخ طوسی است. «ناس»، مردم عادیند یا سنیها؟ اگر سنیها باشند که در روایات، «الناس» به آنان تعبیر شده، معلوم می‌شود از روی تقیه حرف آنان را تکرار کرده‌اند، پس در مورد زنان نیز چنین خواهد بود. انگیزه آنکه اگر بخواهند پول بدهند و قصاص کنند معمولاً ندارند. به خصوص در آن زمان که معامله پایاپای بوده و معمولاً پنج هزار درهم نداشته‌اند. پس مرد قصاص نمی‌شود و آن وقت اعتراض نمی‌کنند که برای زنی؛ مردی را کشتند!

با این وصف، رد نصف دیه و سپس قصاص، یک سنگ اندازی عملی بوده که راه عدالت را بر روی مردم عادی می‌بسته است و تنها ثروتمندان می‌توانستند قصاص کنند. یا مثل شهادت در زنا، تعلق به محال عرفی و عادی است که معمولاً انجام نمی‌شود و در واقع همان نابرابری زن و مرد در قصاص و عدم تکافؤ در دماء است.

۱۴- در برخی از روایات^{۲۱}، دیهٔ آلت تناسلی بچه و مرد عتین، دیهٔ کامله یعنی هزار دینار طلا و معادل آن از پنج نوع دیگر تعیین شده است، در حالی که دیهٔ زن، نصف آن است. برخی از فقیهان بزرگوار ما، چون شیخ صدوق ابو جعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه القمی (متوفای ۳۸۱ق)، به

مضمون آن فتوی داده‌اند.

اکنون باید به این پرسش پاسخ گفت که چگونه ممکن است در عدالت اسلام، دیهٔ عضو بچه و مرد ناقص، دو برابر جان یک انسان، یعنی یک زن، باشد؟

۱۵- به اعتقاد ما قصاص مجازاتی است که برای قتل و خونریزی تشریح شده، نه برای مقتول، و فلسفه آن همین معنی را تأیید می‌کند. بنابراین در قصاص، شرط جنسیت و رقیبت نیست. انسان قاتل عامد، هر که باشد، مستوجب قتل است. در مورد مقتول نیز تفاوتی ندارد که چه کسی باشد. شرط اسلام را قطعاً می‌پذیریم که این حکم در آیین ما است و ما را به آیینهای دیگر کاری نباشد، جنون و صغر سن، از عوامل مخففه در قانون اسلام است و بر آن دلایل قاطع عقلی و نقلی وجود دارد، اما در مورد بردگان و زنان چنین نیست. بنابراین در قاتل و مقتول شرطی نداریم تا مجازات را متوقف کند، بلکه شرایط برای نفس قتل است.

۱۶- در صورتی که مساوات زن و مرد را در قصاص بپذیریم، مشکلات زیادی از دوش جامعه برداشته می‌شود. چه آنکه اکنون تعدادی از قاتلان زنان در زندانها هستند که بر اثر فقر بستگان مقتوله، حکم قصاص دربارهٔ آنها اجرا نشده است.

● اگر مساوات زن و مرد را در

قصاص بپذیریم، مشکلات بسیاری

از دوش جامعه برداشته می‌شود.

زیرا اکنون تعدادی از قاتلان زنان

در زندانها هستند که بر اثر فقر بستگان

مقتوله، حکم قصاص دربارهٔ آنها

اجرا نشده است.

● اصل مورد قبول قرآن، برابری زن

و مرد در برابر احکام جزایی اسلام

است و مخالفت با اصل مذکور،

دلیل قانع کننده‌ای لازم دارد.



ج: دیدگاه نابرابری:

پیروان دیدگاه نابرابری عقیده دارند که اصولاً مرد را به جرم کشتن زنی قصاص نمی‌کنند. این دیدگاه واقعاً نظر ستم‌کارانه‌ای است که با روح قوانین اسلام نمی‌سازد.

محمدبن اسماعیل کحلانی (متوفای ۱۸۲ق) می‌نویسد:^{۲۲} «از حسن بصری نقل شده که می‌گوید: مرد برای (قتل) زن قصاص نمی‌شود و گویا به آیه شریفه «الأنثی بالأنثی» استدلال نموده و این برداشت او رد شده زیرا^{۲۳}...»

محمدبن علی شوکانی می‌نویسد:^{۲۴} «عمر بن عبدالعزیز حسن بصری، عکرمه، عطا، مالک، خطابی، ابوالولید الباجی و مالک^{۲۵} در یکی از سخنان خود می‌گویند، مرد را برای زن قصاص نکنند.»

درباره آیه شریفه «الأنثی بالأنثی»، پیش از این بحث کردیم و گفتیم که اصولاً آیه هیچ مفهوم مخالفی ندارد و تنها در این آیه، مصداق قصاص زن در برابر زن مطرح شده، نه آنکه مرد قاتل به جرم کشتن زن اعدام نشود. اگر بخواهیم صرفاً بر این جمله جمود داشته باشیم، نباید زن را به جرم قتل مرد اعدام کرد، زیرا در قرآن صریحاً سخن از این مورد مطرح نشده است و اگر بگویند از عموماًت قرآن و روایات بهره می‌گیریم، خواهیم گفت در عموماًت هیچ فرقی میان زن و مرد نیست و باز می‌گردیم به اصل اختلاف. صرف نظر از آیه یادشده، آیات دیگر قرآن صراحتاً از قصاص نفس در مقابل نفس سخن گفته‌اند که هیچ قیدی برای جنسیت ندارد و شامل هر دو، یعنی زن و مرد، می‌شود. در صورتی که مفهوم آیه فوق بامنتوق آیات دیگر یا ظاهر آن منافاتی داشته باشد، جای گفتگو از عموم و خصوص و مطلق و مقید است و آیه یاد شده را باید در توضیح آیات دیگر شمرد.

گفته‌ای که به حسن بصری و دیگران منسوب است، به اجماع مرکب مردود می‌باشد و روایات فراوانی در رد آن وارد شده، که هر دو گروه اول و دوم، بر آن اتفاق داشتند. تنها اختلاف گروه اول و دوم در پرداخت نصف دیه بود، نه در اصل قصاص که میانشان هیچ جای تردیدی وجود نداشت، بلکه می‌توان این حکم را از ضروریات و مسلمات دین اسلام شمرد.

یک دیدگاه فرعی درباره دیدگاه نابرابری:

لیث، که از فقهای عامه است، می‌گوید:^{۲۶}

«اگر مردی نسبت به زوجه خود مرتکب جنایتی شود که مستوجب قصاص باشد دیه می‌دهد و قصاص نمی‌شود.»

بنابراین او تنها در مورد زوجین، قصاص بین مرد و زن را نمی‌پذیرد و بین مرد و زن بیگانه، قایل به قصاص است. پانوش:

۱ - مانند آیه ۱۲۶، سوره نحل و آیه ۱۹۴، سوره بقره.

۲ - برخی سوره بقره، آیه ۱۷۸ را ناسخ این آیه دانسته و بعضی می‌گویند این آیه، احکام دینی گذشتگان را بازگو می‌کند و برای ما حجت نیست. ولی این سخن مردود است. زیرا اولاً: در روایات و تفاسیر موضوع نسخ، مورد اختلاف و حتی به روایت درست‌تر، مردود است. ثانیاً: در قرآن موارد دیگری مطرح است که ظاهراً نقل قول گذشتگان است، اما به جهت عموم و شمول قرآن و ملاکهای که در آن احکام وجود دارد، در میان مسلمین هم اجرا می‌شود و چنین نیست که قرآن فقط به منظور استفاده تاریخی، از آن مطالب یاد کرده باشد. ثالثاً: فقهای بزرگوار اسلام، عموماً به جز افراد بسیار اندکی، به مضمون آیات شریفه قنوا داده‌اند.

۳ - ابن افراد، از هادی تا ابوطالب، نیز شیعه و جزو فقیهان اهل بیت هستند ولی شیعه اثنی عشری نیستند.

۴ - و قال جمیع الفقهاء یقتل بها و لا یرد اولیاءها شیئاً و روو ذالک عن علی و ابن مسعود.

۵ - القصاص فی الاسلام، دارالکتب الحدیث، چاپ مصر، ص ۱۳۵.

۶ - المعنی بالشرح الکبیر، ص ۳۵۷ تا ۳۵۹ - ۳۷۷ و ۳۷۸، ج ۹.

۷ - احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، چاپ بیروت، جلد ۱ - ۲، ص ۴۲ تا ۵۶ و جلد ۳ - ۴، ص ۲۵۱ تا ۲۶۰.

۸ - و اتقوا علی ان المرءة تقتل بالرجل و ان الرجل یقتل بالمرءة.

۹ - احکام القرآن، چاپ مصر، جلد یک، ص ۶۰ تا ۶۹ و جلد دو، ص ۵۸۶ تا ۵۹۰ و ۶۲۱ تا ۶۲۸.

۱۰ - الجامع لاحکام القرآن، چاپ بیروت، جلد دو، ص ۲۴۸.

۱۱ - کشف القناع عن متن الاقناع: جلد شش، ص ۲۰.

۱۲ - جمله «طرفداران دیدگاه تفاوت» عام است و ما نظر به عموم داشته‌ایم ممکن است برخی منکر این سخن باشند اما روی هم رفته در تقسیم‌بندی مقاله، جزو گروه نخست محسوب می‌شوند.

۱۳ - روایاتی از طریق همه گروههای اسلامی، حتی شیعه، نقل شده با این مضمون: «المسلمون تکافؤ»

دماهم = خون مسلمانان هم سنگ است.»

۱۴ - وسایل الشیعه: ج ۱۸، ابواب حد زنا.

۱۵ - با تأسف، ممکن است تعدادی از خوانندگان جانب‌گرای، این نوشته نگارنده را متجری در مقابل حکم خدا قلمداد کنند (نمودبالله من هذا و من همزات الشیاطین) اما چنانکه در گذشته یاد

شد، این آیاه و چراها برای تحقیق و جستجو است، نه برای اعتراض به شریعت، و بلکه برای تأیید نظریه مساوات. زیرا نظریه تفاوت یک استیباط است، نه حکم خدا و شریعت غرا، تا بر این فقیر خرده بگیرند.

۱۶ - شیخ طوسی در النهایه: «وقد روی انهم یقتلونها و یودی اولیائها تمام دیه الرجل البیهم.» نقل از مستدرک الوسائل، چاپ قدیم، ج ۳، باب ۳۰، از ابواب قصاص النفس، شماره ۳.

۱۷ - آیات متعددی چون: (مائده، ۸)، (آل عمران، ۱۸)، (نساء، ۱۳۵)، (اعراف، ۲۹).

۱۸ - منظور از جنین، قبل از پیدایش روح و هنگامی است که خلقت جسمانی او تمام شده باشد. چه آنکه قبل از این برای هر مرحله از نطفه گرفته تا وقتی گوشت و استخوان برود، مقدار ۲۰ دینار در نظر گرفته شده که جمعاً پنج مرحله و صد دینار است. اما پس از آنکه روح در آن دمیده شد دیه کامل انسان به او تعلق می‌گیرد.

۱۹ - التهذیب، جلد ۱۰، کتاب قصاص، الاستبصار، جلد چهارم، ص ۲۶۳ تا ۳۰۲.

۲۰ - «یونس عن ابن مسکان عن ابی عبداللہ قال: اذا قتل المسلم یهودیاً او نصرانیاً او مجوسیاً فاراد ان یقیدوا ردوا فضل دیه المسلم و اقادوه.»

۲۱ - مانند روایت شیخ طوسی که گفته است: «علی عن ابیه عن التوفلی عن السکونی عن ابی عبداللہ قال: امیر المؤمنین فی ذکر الصبی الذیة و فی ذکر العتین الذیة. = از علی، از پدرش نوفلی، و او از سکونی، از امام صادق روایت کرده که گفت: امیر المؤمنین فرموده: در قطع آلت تناسلی پسر بچه و مرد عتین، دیه انسان (بطور کامل) ثابت است»

۲۲ - سبیل السلام، چاپ بیروت، دار احیاء، جلد سه، ص ۲۴۴ و ۲۴۵، ۲۳۶ و ۲۳۷.

۲۳ - علت آن در صفحات قبل آمده است.

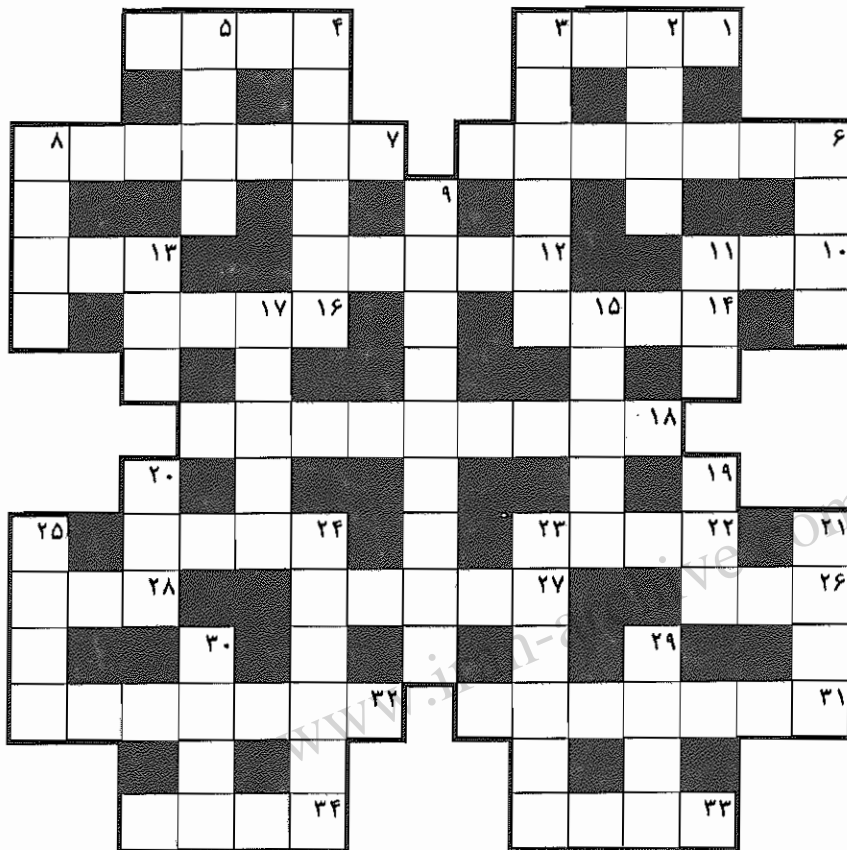
۲۴ - نیل الاوطار، جلد هفت، ص ۱۸ تا ۲۲ و ۷۰ تا ۷۷.

۲۵ - ولی به روایت دیگری، مالک و شافعی هیچ تردیدی در قصاص مرد برای قتل زن نداشتند و به نقل شوکانی در کتب این دو مذهب اصلاً سخنی از عدم قصاص نیامده است و ما سخنان آنان را آوردیم.

۲۶ - اذا جنی الرجل علی امرأته هو عقلاها و لم یقتص منه



جدول



● از راست به چپ

۱- تنگی و سختی ۴- بالین ۶- مبارز
آزادپنجاه آفریقایی ۷- شاهراه ۱۰- بنیاد و
نژاد ۱۲- سخت و مشکل ۱۳- آفت ۱۴-
شهر خواهر ۱۶- شکر و درود ۱۸- کتابی از
چارلز دیکنز ۲۲- غیبگو و مرد روحانی
مصری ۲۴- جوازش وارو است ۲۶- شمات
و سرزنش ۲۷- موسیقی و آهنگ ۲۸- پایه و
ستون ۳۱- خنیاگر و ساززن ۳۲- موسم گرما
۳۳- گردآوری شده ۳۴- فرقه‌ای مذهبی در
هندوستان.

● از بالا به پایین

۲- رکن و پایه ۳- نثر ۴- مستنطق ۵- آبراه
طبیعی بین دو دریا ۶- مهار ۸- ترس و بیم ۹-
عنوان کتابی از شیلر ۱۱- سر و لغزنده ۱۳-
توسعه ۱۵- مدل و الگو ۱۷- درشتی ۱۹-
دمق ۲۰- دست نخورده ۲۱- وزین ۲۳- از
وسایل پای سفره ۲۴- ظرف مقیاس ۲۵-
صدای ناقوس ۲۹- آسیب و صدمه ۳۰-
تاهی

اولین دوره «زنان» با جلد زرکوب منتشر شد.
(سال اول و دوم)

علاقه‌مندان می‌توانند مبلغ ۱۳۰۰۰ ریال به حساب جاری شماره ۱۹۷۰،
بانک ملی ایران، شعبه سمیه، کد ۵۲۹ واریز نمایند و کپی فیش را همراه با
آدرس خود به نشانی: تهران، صندوق پستی ۵۵۶۳ - ۱۵۸۷۵ ارسال
فرمایند.

هزینه ارسال با پست سفارشی به عهده «زنان» است.



ماریا استفن

ترجمه مینو اقبال آل آقا

به پسر تان پیاموزید: زن محترم است!

لایق و صلاحیتداری که بعدها همسر، همکار و رئیس آنها خواهند بود را ندارند، مبارزه کنیم.

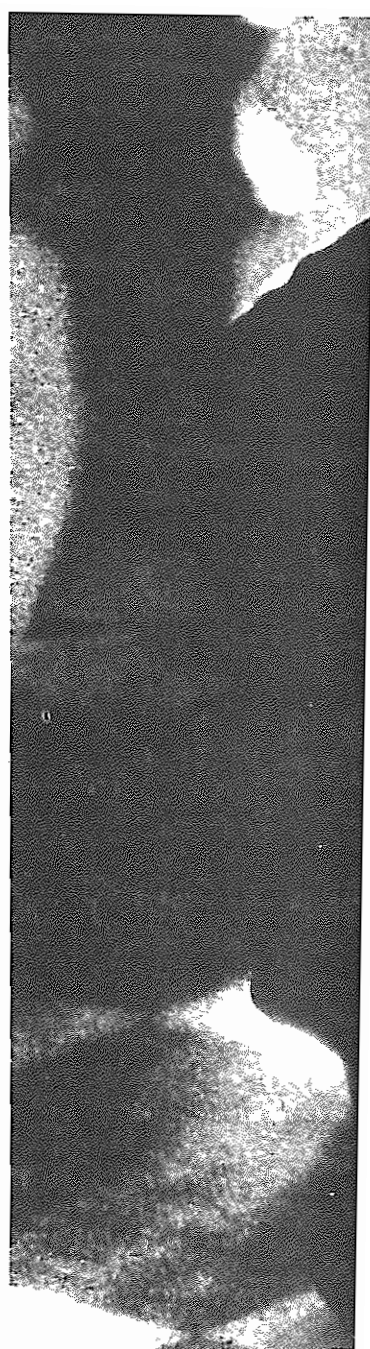
شکی نیست که تربیت و پیشرفت یک پسر ۱۹ ساله، وظیفه‌ای است سنگین که نیاز به جسارت و بی‌باکی زیادی دارد. ما اکنون در یک دوره انتقالی زندگی می‌کنیم، دوره‌ای که جامعه با توقعات و انتظارات جدیدی روبروست. فکرش را بکنید اگر ما والدین، وظایف خود را در نیابیم، چه بر سر پسرانمان خواهد آمد. یک پسر از همان بدو تولد و به طور کلی در تمام مراحل زندگی به عنوان یک مرد کوچک با کوهی از پیامها و القانات مختلف در مورد مرد بودن خود روبروست که این پیامها کاری جز مغشوش کردن افکار او ندارند و از طرفی باعث مشکلتر شدن کار والدین در تربیت آنها می‌شود. در اینجا

متغیر فردا به عنوان یک مرد، کار خود را پیش برد یا نه؟ ■■

اگر فرض کنیم آماده کردن دخترانمان برای دنیای فردا شیوه‌ای درست و ضروری است، آیا واقعاً در مورد پسرهایمان نیز چنین تفکر آینده‌نگرانه‌ای داریم؟ شاید خیر. حتی در خانواده‌های مترقی هم هنوز نوعی حس برتری نسبت به نقش مردان وجود دارد. ما دلمان می‌خواهد که پسرانمان برای خود و دیگران افرادی قدرتمند، لایق، شفیق و دلسوز و قابل احترام باشند و در عین حال از این می‌ترسیم که مبادا افرادی ناتوان و ضعیف به حساب آیند و نتوانند از حقوق خود دفاع کنند. شاید وقت آن باشد که با عقاید آن نسل از مردانی که در آینده، توانایی همتایی با زنان

۹۹ پسر هفت ساله‌ام شمشیر پلاستیکی‌اش را در دست دارد و با دزدهای خیالی می‌جنگد. دستهایش را دور گردن یکی حلقه کرده و ضربه‌ای به دیگری می‌زند و می‌گوید: «هی، تو مُردی!» او مانند تمام مردان نسل قبل، شیفته تحرک و ماجراجویی است، مخصوصاً اگر این اعمال با مشت و لگد هم همراه باشد! او علاقه چندانی به بازیهای جمعی، کار با اسباب‌بازیهای فکری یا جمع‌آوری لباسهایش ندارد اما به راحتی تن به بازیهای خشن و پرسروصدا می‌دهد و در بیان غم و همدردی هم بسیار بی‌توجه است و در واقع مانند مردان نسل قبل، همان شعار مطرح «قدرت موفقیت می‌آورد» را پیش گرفته است. گاهی که به رفتارش فکر می‌کنم، نگران می‌شوم که آیا او می‌تواند در دنیای





نگاهی داریم به آنچه که وسایل ارتباط جمعی القا می‌کنند.

◀ آسیب‌ناپذیری پسرها:

هنگام تماشای تلویزیون، پسر شما پیامهای بسیار گویایی در مورد نقش پسرها و دخترها در اجتماع دریافت می‌کند. در بیشتر فیلمهای کارتون، کارهای خشن و بی‌رحمانه و جنگ و ستیز به عهده پسرهاست، در مقابل دخترها معمولاً نقشهای داخل‌خانه را به عهده می‌گیرند، با عروسکشان ور می‌روند و جیغ و داد راه می‌اندازند. در سینما هم پیامها بهتر از این نیست. وظیفه کلی پسرها در این فیلمها غلبه بر ترس و پیشدستی کردن بر دشمن است. در بیشتر این فیلمها پسران قهرمانی هستند که روحیه دل‌آوری، اقتدار و شایستگی را در مردان به نمایش درمی‌آورند،

حالات و صفات لازمی که باید در آنجا وجود داشته باشد، همان صفات مشخصه‌ای که ما انتظارش را داریم. اما اشکال کار کجاست؟ آنگاه سیلوآشتین، مشاور مشکلات خانوادگی، می‌گوید: «پیام اصلی در این برنامه‌ها این است که پسرها قادرند بدون این که از چیزی واهمه داشته باشند، از عهده هر کاری برآیند. البته اینها دور از واقعیت هم نیست و به دلیل همین خودستاییها و دلیریها، پسرها هرگز تنها ماندن را دوست ندارند.» او می‌افزاید: «یکی از بزرگترین ترسهای که در بچه‌ها وجود دارد این است که والدینشان آنها را ترک یا فراموش کنند. متأسفانه چنین فیلمهایی روی احساس طبیعی ناامنی در پسران تأثیر می‌گذارد و باعث می‌شود که آنها با نوعی احساس نادرست روبرو شوند: یک پسر واقعی باید با ترس خود مبارزه کند و باید یک تنه دشمنان ناباب خود را از پا درآورد.»

با در نظر گرفتن القائات و پیامهای آسیب‌ناپذیری و خشونت در پسران، به سادگی درمی‌یابیم که چرا آنها معمولاً دنبال بازیهای خشن و پرسروصدا می‌روند و این که چرا تفهیم پیامی این چنین روشن، یعنی «مرد واقعی بودن» این قدر مشکل به نظر می‌رسد. در تک تک مراحل که یک پسر تا رسیدن به دوران بلوغ طی می‌کند، وظیفه مادر به عنوان یکی از والدین بسیار گیج‌کننده است.

◀ تغییرات در پسرها چگونه است:

مانند اکثر پسرها، کنترل پسر قبل از سن ۵ سالگی، یعنی زمانی که به پسر بودن خود پی‌ببرد، کاری ساده بود. رشد او از یک الگوی معمولی پیروی می‌کرد، از زمانی که حیوانات را در آغوش می‌گرفت تا زمانی که به مرحله مرد شدن رسید.

تا سن دو - سه سالگی تغییرات رفتاری بین پسرها و دخترها آنچنان محسوس نیست. این سنین زمانی است که پسرها با دخترها با هم خانه می‌سازند و از اینکه یکی نقش پدر و یکی نقش مادر را بازی کنند لذت زیادی می‌برند.

در سن سه سالگی بچه‌ها کم کم در می‌یابند که پسرها و دخترها با هم اختلافهایی دارند، البته به صورت خیلی سطحی، در اندازه قد و قامت، فرم موها و لباس پوشیدن، و درمی‌یابند که صفات زنان و مردان قابل معاوضه نیست.

در سن چهار - پنج سالگی، پسرها کم کم فکر می‌کنند که تمایزاتی با دخترها دارند اما

● یک پسر در تمام مراحل زندگی با کوهی از پیامها و القائات مختلف در مورد مرد بودن خود روبروست که افکار او را مغشوش و کار والدین را در تربیت وی دشوار می‌کند.

همچنان در بسیاری موارد دخترها برایشان قابل قبول هستند. یک پسر ممکن است در این سن بهترین دوستش هنوز یک دختر باشد و حتی حرفهایی درباره ازدواج با هم بزنند!

اما زمانی که به سن مدرسه می‌رسند ناگهان موضوع به وضوح عوض می‌شود. درباره اینکه غریزه یا تربیت در این امر دخیل است، بسیار بحث شده است اما به هر حال پسرها در این سن می‌خواهند برخلاف اعمال ثابت و یکنواخت و کلیشه‌ای قبلی رفتار کنند. به نقل از گزارش رافائل بست انسان‌شناس و محقق که مدت چهار سال در مورد رفتارهای کودکان دبستانی تحقیقاتی انجام داده است، پسرها در کلاس دوم دبستان باید برآنچه که حتی در ظاهر به جنس مؤنث بستگی دارد و یا آنچه مربوط به اعمال و احساسات آنهاست غلبه کنند و آنها را در خود ریشه‌کن کنند. تمایل دارند قوی و خشن باشند و هرگز هم گریه سر ندهند.»

با در نظر گرفتن این نیروها و تواناییها در شکل‌گیری زندگی یک پسر و با در نظر داشتن وسایل ارتباط جمعی، و قهرمانان داستانها، می‌توانید حدس بزنید که چطور می‌توانید نقشی مثبت در زندگی پسران داشته باشید. دکتر ژوزف پلاک، روان‌شناس و محقق است که در باب نقش جنسی مردان و زنان در مرکز دانشگاه ولسلی در ماساچوست تحقیق می‌کند. وی که یک پسر پنج ساله دارد، می‌گوید: «شما بسیار قدرتمندتر از آن هستید که فکر می‌کنید، در واقع شما و همسران مؤثرترین عامل در زندگی پسران هستید. ممکن است این اثرات تا بزرگسالی او آشکار نشود، اما در هر حال در وجود او نهفته‌اند.»

◀ رفتار یکسانی با دختر و پسر خود داشته باشید:

یکی از بهترین راههایی که می‌توانید اقتدارتان را به کار بگیرید، این است که در خانه برای فرزندانان الگویی یکسان در نظر بگیرید و با دختر و پسر خود رفتاری مشابه داشته باشید. با این روش پسرانان چنین می‌آموزند که زنان از احترام و ارزش یکسانی با مردها برخوردارند و آنها را نباید به عنوان

● با در نظر گرفتن الگوی یکسان در خانه، پسران می آموزند که زنان از احترام و ارزش یکسانی با مردها برخوردارند و آنها را نباید شهروندی از طبقه پایتتر و یا مفعول جنسی به حساب آورد.

همکارانتان به شما می گذارند درک کند. دائماً در مورد مسائلی که در محیط کارتان به تنهایی برطرف کرده‌اید با او صحبت کنید و از بیان موفقیت‌هایتان ابا نداشته باشید.

مادرانی که تکیه‌گاهی برای شوهران خود هستند نیز نقش مهمی در ایجاد حس احترام ایفا می‌کنند. لازم است که پسرها چنین جملاتی را از پدر خود بشنوند: «من به وجود مادرت افتخار می‌کنم»، «او در انجام کاری که با این سختی انجام می‌دهد پیشرفت‌های زیادی داشته است». نه اینکه «مادرت باز هم کلید را جا گذاشت، او خیلی حواسش پرت است».

پسرها با مشاهده روابط والدین خود نیز می‌توانند در مورد روابط بین زن و مرد درسهایی بگیرند: مثلاً پسر می‌تواند همیشه شاهد تصمیم‌گیریهای مشترک مادر و پدرش است، از خرید اتومبیل گرفته تا تعیین مقصد برای تعطیلات و یا ترتیب دادن یک مهمانی ساده شام.

چنین مادرانی مسیر درستی را انتخاب کرده‌اند. مادران باید در حرف و عمل به پسران خود این پیام را بدهند که اگر می‌خواهند در محیط کار ترقی کنند و از روابط خود با دیگران کامیاب و خوشنود باشند، باید اصل احترام متقابل را در نظر بگیرند.

می‌دانند، فرزندان خود را با نوعی مناعت‌طبع و خوش‌بینی بار می‌آورند. آنها اغلب در تحصیلات به مدارج بالایی، حتی بالاتر از والدینشان، دست می‌یابند و در انجام فعالیت‌های اجتماعی و حل مشکلاتشان بسیار موفقند. پسرهای چنین پدرانی افرادی با اعتماد به نفس بسیار و کارآمد بار می‌آیند.

در شرایطی که پدران در تربیت پسران خود نقش فعالانه‌ای از خود نشان داده‌اند پسرانشان توانسته‌اند به شیوه‌های مختلفی به کسب مهارت‌ها بپردازند. دکتر ماریام میدزیان نیز چنین می‌گوید: «پسرها می‌آموزند که چگونه صبورتر و دلسوزتر باشند و از خشونت بپرهیزند. آنها خواهند آموخت که مردان هم می‌توانند در کنار کارهای خارج از منزل مانند تعمیر اتومبیل، از کودکان نیز مراقبت کنند. در واقع عقیده آنها نسبت به آنچه ظاهراً معنای واقعی مرد بودن است تبدیل به بهترین حس ممکن خواهد شد».

۲ - مادرانی که الگوی خوبی در زندگی کودکان خود هستند.

چگونه یک پسر بچه قادر است برای جنس مخالف خود توجه و احترام لازم را قائل شود؟ باز هم برمی‌گردیم به نقش الگوسازی که مهمترین و پایدارترین پیام و اثر را برای برقراری حس تساوی بین زن و مرد

شهروندی از طبقه پایتتر و یا مفعول جنسی به حساب آورد. مثلاً می‌توانید پسران را موظف کنید تا در کارهای خانه، غیر از آن کارها که صرفاً کار مردهاست، مانند آشپزی یا شستن لباس‌های همکاری کند. وقتی او را در انجام امور خانه شرکت دادید، چون خود او نیز سهم در کارهاست، دیگر آنها را «کار زنها!» به حساب نخواهد آورد و در ضمن بیشتر در برابر امور اطرافش توجه و احساس مسئولیت نشان خواهد داد.

باید با پیامهایی که در مدرسه و در محیط بازی او را تشویق و ترغیب کرده است تا «فرد خشنی» باشد و احساسات پرشوری داشته باشد، مبارزه کنید و به او بفهمانید که گریستن یا احساس ترس هم گاهی لازم است.

در حالی که شما سعی دارید این حالت کاذب مردگرایی را در او از بین ببرید، بعضی عوامل خارجی ممکن است عملکرد شما را دچار اشکال کند. پادزهر قویتر دیگری که می‌توانید به کار بگیرید، بحث و گفت‌وگو با اوست با بیدار کردن وجدان او تأثیر عمیقتر و پایدارتری را در او ایجاد می‌کند که خودش قادر به ایجاد تمایز میان خوب و بد می‌شود.

با این کارها آنها پذیرای مسائلی آینده خواهند شد. اما غیر از تمام موارد ذکر شده، دو عامل اصلی دیگر وجود دارد که عمیقاً روی آنها نفوذ دارد:

● برای برقراری مساوات بین زن و مرد، هیچ پیامی روشنتر و مؤثرتر از این نیست که پدری خود را در پرورش فرزندان مانند مادر سهم بداند.

● اگر پسران شاهد احترامی است که همکاران شما برایتان قائلند، احتمالاً به همان اندازه‌ای که برای مردان احترام قائل است، زنان را در مسیر رشد خود محترم خواهد شمرد.

شاید امروز توانیم رویه‌ای را که تلویزیون یا وسایل ارتباطی در نشان دادن جنس مذکر پیش گرفته است تغییر دهیم و شاید نسل‌ها زمان لازم باشد تا توقعاتی را که از «زن و مرد بودن» در افکار مردم نقش بسته، دگرگون کنیم، اما باز رفتاری که ما به عنوان والدین نسل آینده داریم و با یکسان نگرستن به هر دوی آنها در خانه و در اجتماع، از امروز تا فردهای دور می‌توانیم بهترین اثر را روی افکار و اندیشه پسرانمان بگذاریم.

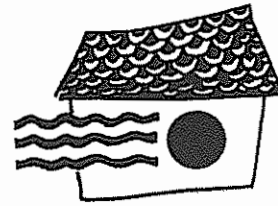
تشکیل می‌دهد. بنابراین اگر شما زنی هستید که در خانه و محل کار از احترام کافی برخوردار هستید و پسران شاهد این قضیه است، می‌توانید احتمال بدهید که او به همان اندازه‌ای که برای مردان احترام قائل است، آنها را نیز در مسیر رشد خود محترم خواهد شمرد. اما در هر حال تنها این کافی نیست که او بداند شغل شما چیست. او باید در جریان چگونگی کار شما قرار بگیرد. برای اینکه حس همکاری و مشارکت شما را در محیط کار حس کند، او را با خود به محل کارتان ببرید تا بتواند از نزدیک شاهد آنچه که شما انجام می‌دهید باشید و احترامی را که

۱- پدرانی که در بروز اندیشه‌های پسران خود بطور فعالانه سهم هستند.
برای برقراری مساوات بین زن و مرد، هیچ پیامی روشنتر و مؤثرتر از این نیست که پدری خود را در پرورش فرزندان مانند مادر سهم بداند. پدری از همان ابتدا که عهده‌دار رسیدگی به سر و وضع، تغذیه و تربیت پسرش است، جای تعجب نیست که پسر او هم به بچه‌ها عشق بورزد و در هر فرصتی از مراقبت آنها لذت می‌برد. وی مانند پدرش، بدون هیچ گله و شکایتی در انجام امور خانه تشریک مساعی می‌کند.
پدرانی که در امور خانه خود را شریک



راهنمای زنان

تلفن: ۶۲۰۳۷۷ - ۶۲۹۳۷۱



کلبه آرایش

ویژه بانوان با مدرنترین متد آرایش

ارائه کننده کلبه خدمات آرایشی در کلبه زمینه‌ها

آدرس: شهرک غرب - ایستگاه دریا - خیابان ناخدا

محتاج جنب پلاک ۲۱ تلفن ۸۰۷۶۸۷۲



موسسه کلارا

ویژه بانوان

رفع لاغری و چاقی، کلیه خدمات پوستی

الکترولیز با مجهزترین وسایل برقی و ورزشی

با مشاوره جراح ترمیم پوست و متخصص با

تحصیلات عالی

تلفن: ۶۵۴۳۰۲



گیاه دارویی بوعلی

مرکز گیاهان دارویی و عرقیات سنتی

آدرس: قم خیابان باجک پاساژ خیبیر دفتر مرکزی دارو

گیاهی بوعلی تلفن: ۲۵۹۳۰

آدرس: خیابان ارم پاساژ قدس درب دوم پلاک ۱۱۵ گیاه

دارویی بوعلی تلفن: ۲۷۴۷۶

داروی ضد چاقی و لاغری، کوچک نمودن شکم،

کالاهای بهداشتی و آرایش گیاهی، عرقیات سنتی، رفع

ریزش مو، ابرو، موزه، شوره سر، موخوره، خارش سر،

جوش سر، جوش و لک و چین و چروک صورت، داروی

رفع غم و اندوه و نگرانی و عصبانیت سردرد، میگرن،

دلرد تنظیم عادت ماهانه بانوان، رفع دردهای ماهانه

بانوان، سینوزیت، قند و چربی، آسم، رماتیسم، واریس،

سیاتیک، نقرس، آرتروز، تقویت چشم، و حافظه و بدن

و اعصاب و قوه‌ها، داروی زخم معده، نفخ معده، ورم

معده، داروی کلیه، کم خونی، معجون نشاط‌آور،

خرناسه، ترک سیگار و تریاک، بماد سوختگی، بماد ترک

شکم، قطره گوش و بینی، بواسیر، کهیر و آلرژی،

یبوست، اشتها آور، داروی معجون تقویتی بدن، رفع

وسواسی، داروی انگل و جانور، شب اندازی بجه‌ها،

داروی رفع ترس شبانه اطفال، قرص نیروزا برای

ورزشکاران، کپسول زیبایی اندام و عضله، کرم دور

چشم، کرم سفیدکننده صورت، پودر جرمگیر و سفید

کننده دندان و رفع بوی دهان، انواع روغن‌جات طبی

گیاهی، انواع صابونهای طبی گیاهی، انواع رنگ مو،

انواع بذر، گیاه دارویی بوعلی در خدمت بهداشت و

سلامت جامعه در حد توان تمام نیازهای دارویی شما را

با بهترین بازدهی و بدون عوارض جانبی در

بسته‌بندیهای تمام اتوماتیک بهداشتی برآورده

می‌سازد.

کلبه بوعلی
تولید کننده
کارخانجات
و بیمارستانها

تحت پوشش وزارت صنایع
و معادن

دفتر مرکزی و فروشگاه: تهران تلفن ۸۱ - ۶۴۳۴۳۸۰ فاکس ۹۲۴۰۹۲
کارخانه: شیراز - تلفن ۸۱ - ۳۳۱۰۸۰ (۰۷۱) فاکس ۳۳۱۰۸۰ (۰۷۱)

کهنکشان

خانه و محل کار شما را
مشاره پاران میگذرد
دفتر خدمات کهنکشان

نامی آشنا برای همه خانواده‌ها

متخصصان ورزیده کهنکشان با یک تلفن کلیه
وسایل برقی - الکتریکی و الکترونیکی شما را در
منزل تعمیر و تحویل می‌دهند.

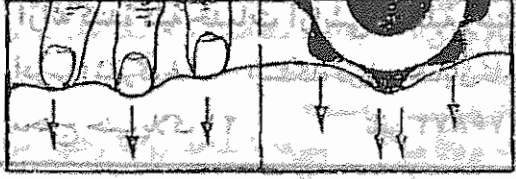
سرویس و تعمیر انواع تلویزیون - ویدئو -
وسایل صوتی لباسشویی - یخچال - فریزر -
جاروبرقی و آبگرمکن گازی و نفتی فقط توسط
متخصصان کهنکشان

تلفن ۶۴۳۲۹۰۰ - ۶۴۲۷۲۷۰

ماساژور دستی هور

طراحی بر اساس طب فشاری

فروش در کلیه داروخانه‌ها، فروشگاههای ورزشی و بهداشتی.



از شهرستانها، لوازمی که فعال پذیرفته میشود
نمایندگی مشهد ۲۹۲۶۸

شامپو دنا

حتی یک مو از سر شما کم نمی‌شود

شامپو دنا در سه نوع گیاهی برای موهای چرب، تخم مرغی برای موهای نرمال، عسلی برای موهای خشک

تلفن مرکز پخش ۹۵۴۰۱۳
۴۰۷۹۷۵۱

آموزش سفره آرایشی و تزئین غذا

و میز تولد کودکان

با انواع سبزیجات و میوه‌جات
۶۰ مدل در دو جلسه
میدان ونک - تلفن ۸۸۸۵۸۷۴



خدمات مرکزی ایران

تعمیر و بازسازی انواع لباسشوییهای اروپایی و آمریکایی

خریدار انواع لباسشوییهای سفید و خراب

فروشنده انواع قطعات لباسشویی و فریزر
(با سرویس، تجهیز زیر نظر متخصصین، مجرب، جنرال الکترونیک)
(۹۷۹۷۳۲-۹۶۵۷۷۱۸)

خانه موی ایران

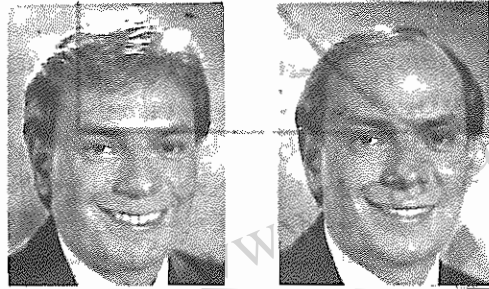
جدید

(ویویگ راشل سابق) اولین مؤسسه نرم مر در ایران

خبری مسرت بخش برای تمام کسانی که موهای خود را از دست داده یا می دهند ما منتظره آخرین تحقیقات و اکتشافات دانشمندان و متخصصین مو در امریکا را رایگان در اختیار شما قرار می دهیم که روش های فوق در اروپا هم عرضه نمی شود این متدها نتیجه تلاش بیگیر متخصصین مو در امریکا می باشد، در این روش بدون عمل جراحی از یکصد تا دو تا ده هزار تار مو روی سر شما نصب می گردد ما این متد کاملاً جدید و استثنایی شما احساس خواهید کرد که موهایتان از زیر پوست رونیده و هیچگونه تفاوتی با موهای طبیعی نماند و با لمس کردن موهای جدید حسی فراموش می کنید که موهایتان ریخته است با خیال راحت استحمام کرده و موهایتان را به فرم دلخواه کوتاه کنید. بعد از تثبیت مو چنانچه مورد نیازتان واقع گردید رجه امیرا پیدا کنید ضمناً فراموش نکنید متدهای فوق الحداثی به مراسم بعدی ندارد.

تلفن: ۸۹۸۴۳۳

تهران خیابان ولی عصر حین سینما آریقا (آتلانتیک سابق)



آرایش نسرين

خدمات پوستی و زیبایی صد درصد گیاهی و لاکر

برطرف کردن موی صورت
خیابان سهروردی شمالی
بالا تر از چهارراه شهید بهشتی
کوچه شهرتاش پلاک ۶۷
تلفن ۸۶۰۰۶۱۸

سالن آرایش و زیبایی

اکسپرت نفوس

کلیه خدمات پوستی و زیبایی

رفع چین و چروک، و آرایش بهداشت پوست و مو جلوگیری از ریزش مو، رفع جوش و لک برطرف کردن موهای صورت، آرایش عروس و عترافان زیر نظر متخصص

تلفن ۸۸۹۳۰۹۲

خیابان کریمخان خیابان میرزای شیرازی شماره ۳۴ تلفن ۸۸۹۳۰۹۲

ویژه بانوان

تدریس خصوصی
کلیه موارد
زیبائی و الکترولیز
فقط در دو جلسه
فروش دستگاه
در سطح بین المللی

تلفن ۸۰۱۵۰۳۹

مجمع عمومی سرگودشت

عقد ششمین کارآموز

از خهران و برادران ای رشته های زیرینت نام ناید

خشیاطی متد کولادین	عام کامپیوتر اپراتوری تکس
بافندگی و ستلابدزی مکرر	فکس و حسابداری عمومی
کل سازی پارچه ای غیره	نقشه کشی و نقشه برداری
گلدوزی بادست و چرم	رادیو تلوویزیون سیار سفید
ابریسم دوزی تصویر	ماشین نویسی و تایپ
آموزش آرایش و زیبایی	مدرکس ویژه دیتام سطور

از وزارت کار

خیابان کریمخان پیش حافظ

میدان امام حسین اول انقلاب

تلفن ۷۵۵۹۹۵-۷۵۲۹۴۵

تلفن ۸۹۳۲۲۱-۸۹۳۲۲۰

خانمهای عزیز

با حداقل هزینه و هر اندازه صرف وقت که برای شما مقدور باشد می توانید به کمال ایده آل خود در خصوص تامین بهداشت زیبایی پوست و موی خود برسید

تماس برای تعیین وقت به استثنای تعطیلات
همه روزه: صبحها از ۱۰ الی ۱ بعد از ظهر
عصرها از ۵ الی ۸ شب

تلفن ۲۴۱۵۳۴



❖ یکی از مهمترین نکاتی که باید بیاموزید و به آن عمل کنید، این است که وقتی از چیزی یا کسی خوشتان نمی‌آید به راحتی «نه» بگویید و «نه» دیگران در مورد خودتان را هم به راحتی بپذیرید. این کار به نظر خیلیها کار مشکلی است و علت آن هم این است که آنها برای لغت «نه»، معنیهای مجازی و بی‌اساس مهمی می‌تراشند. شما باید بدانید و قبول کنید که گفتن «نه»، فقط بیان ساده‌ی یک ترجیح است، همان طور که یک کودک وقتی غذایی را نمی‌خواهد بخورد و یا دوست ندارد بازی کند، «نه» می‌گوید. بنابراین برای این لغت نباید بیش از اندازه خودش، معنی و مفهوم قایل شوید. ■■

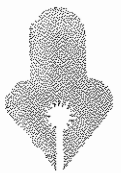
بسیاری از مردم، «نه» گفتن را اصلاً بلد نیستند و یا آن را بد و زشت می‌دانند. خوب است با یکی از این گونه اشخاص، یعنی یک آقا آشنا شویم: این شخص بسیار خوش اخلاق، خوش برخورد و اجتماعی است و لبخند ملیحی همیشه چهره‌اش را زینت می‌دهد. او برای هر مسئله‌ای و در هر زمینه‌ای، طرحی و نظری و ادعایی دارد و خودش را همه‌کاره می‌داند و نتیجه‌ی همه اینها این است که انسان باورش می‌شود که همیشه

راحت

«بله» نگوید!

مارتین شبارد
ترجمه علی اندیشه

● در حقیقت این «نه» گفتن دیگران نیست که درون ما را آزرده می‌سازد، بلکه نوع برداشت ما از آن و نحوه برخورد خودمان است که سبب بروز انفعال در ما می‌شود.



روبر او پر از دستداران و علاقمندان شد. واقعاً هم همین طور است، زیرا با همه بیلی زود خودمانی و صمیمی می‌شود. از بصوصیات دیگر او، یکی هم این است که وقت کسی او را به جایی دعوت می‌کند، بیچ وقت «نه» نمی‌گوید و به راحتی می‌پذیرد. بته این کارش یک اشکال دارد: از آنجا که ر دعوتی را قبول می‌کند و هر تعهدی را نپذیرد، در نتیجه تعدادی از تعهدها و قول و برارهایش انجام نشده، می‌ماند و به بلف وعده و بدقولی می‌انجامد. او مرتباً جبور می‌شود بعضی از قول و قرارهایش را هم بزند و آنها را به وقت دیگری موکول ند، زیرا خیلی وقتها در یک زمان معین، به ند جا قول می‌دهد و در نتیجه گاهی اصلاً ارش را فراموش می‌کند و یا با چند ساعت خیر در آنجا حاضر می‌شود. بدین جهت او جبور می‌شود که دائماً از بدقولیها و خیرهایش از دیگران معذرت بخواهد و قرار زهای بگذارد ولی کماکان همان اشکال می، یعنی فراموش کردن و تأخیر و بدقولی فی می‌ماند و تکرار می‌شود. البته شهرت لبه این شخص این است که مردم می‌گویند: دم خوبی است.» ولی آنهایی که او را از دیک می‌شناسند، می‌گویند: «بیلی، آدم خوبی ست ولی غیر قابل اعتماد و فاقد احساس ثولیت است.»

حالا با یک خانم از این گونه افراد آشنا بوم. زنی روان پزشک، که همیشه سعی نکند خود را «خوب و مهربان و همیشه اده کمک به دیگران» نشان دهد. هر وقت سی به مشکلی برخورد می‌کند، او داوطلبانه ای کمک اعلام آمادگی می‌کند. اگر کسی ل بخواهد، به او می‌دهد و هنگام راندگی، . سر راه خود، دیگران را، حتی اگر نصلدشان دورتر باشد، سوار می‌کند و به صد می‌رساند. اگر شما عازم یک مسافرت . روزه آخر هفته باشید، او حاضر است که فرزندان شما نگهداری کند و به آسانی ،گوید: «اشکالی ندارد. فردا کمی قبل از رکت تلفن می‌زنید، تا کار انجام شود.» ولی تی فردا به او تلفن می‌کنید پیدایش نمی‌کنید. نام می‌گذارید و منتظر می‌مانید ولی خبری ر شود. در پایان مهلت، تصمیم می‌گیرید که نامه‌هایتان را به هم بزنید و چاره دیگری بدیشید که او البته با تأخیر با شما تماس ی‌گیرد و معمولاً پس از یک سری رخواهیها می‌گوید که: «تقصیر این منشی اتوجه من است که پیام شما را دیر به من مانده است.»

وقتی برای اولین بار با این خانم دکتر آشنا شدم تأثیر زیادی روی من گذاشت. من در وجود او یک همکار مطلع، خونگرم و باشخصیت دیدم. البته تا این اواخر مسئله‌ای پیش نیامده بود که باعث شود من چیزی از او بخواهم و فقط شاهد بودم که چگونه برای هر کمک داوطلبانه‌ای به دیگران آماده است، تا اینکه برای من مسافرتی پیش آمد و من به کمک کسی در غیابم احتیاج داشتم و او هم با کمال میل اعلام آمادگی کرد که در این امر به من کمک خواهد کرد. ولی در روز موعود که باید قرار و مدارها گذاشته می‌شد، از او خبری نشد و تماسها هم فایده‌ای نبخشید، تا اینکه من با عجله و به طور اضطراری کارم را به دیگری سپردم و به مسافرت رفتم. در بازگشت که او را دیدم و گله کردم که چرا بدقولی کرده و اگر نمی‌تواند کاری را به عهده بگیرد و یا وقتش را ندارد چرا اصلاً قبول می‌کند، عصبانی شد که چرا او را دروغگو نامیده و به قول خودش به «شخصیت» او توهین کرده‌ام و با داد و فریاد از اطاقم بیرون رفت. این پایان آشنایی من با او بود. من مطمئنم که این خانم دکتر در آینده نیز دوستان دیگری را هم از دست خواهد داد، زیرا کسانی که او را از نزدیک می‌شناسند، از کارهای او عصبانی خواهند شد و شخصیت ادعایی او را جلدی نخواهند گرفت.

خانم دیگری را می‌شناسم که چون همه از مثلاً علاقه‌اش به کودکان خبر دارند، همسایگانش روز و شب از او می‌خواهند که بچه‌هایشان را پیش او بفرستند و او از آنها مواظبت کند تا آقا و خانم مثلاً به خرید یا میهمانی و یا به سینما بروند. این خانم هم چون نمی‌تواند «نه» بگوید، فوراً قبول می‌کند و در نتیجه همیشه خانه‌اش مانند کودکستان، شلوغ و پراز سروصدا و خنده و گریه بچه‌هاست. البته او می‌خواهد از این طریق یک کار انسانی انجام دهد و حسن شهرت و مجبویت کسب کند ولی از طرف دیگر مسلم است که در مدت کوتاهی اعصابش خرد خواهد شد و سلامتی روانی خود را از دست خواهد داد.

حالا روی دیگر سکه را هم بررسی کنیم یعنی وضع کسانی را که تحقّل شنیدن «نه» را ندارند. من در این قسمت از بحثم تمام کسانی را مدنظر دارم که در زندگی خود، هیچوقت «ریسک» نمی‌کنند، هیچ وقت به سراغ کار و سرگرمی جدید نمی‌روند، هیچگاه به ابتکار خود با کسی تماس برقرار نمی‌کنند، و اگر هم روزی پیش بیاید که چنین

کاری کنند، در آخر برده آنها خواهند شد و همه اینها به این دلیل است که آنها برای «نه» خیلی اهمیّت قائلند و فکر می‌کنند که در صورت برخورد کردن با یک جواب منفی، دنیا زیوررو خواهد شد.

اصولاً شغل‌هایی وجود دارد که «نه» در بطن آن و از خصوصیات آن است. مثلاً کار در زمینه تأتّر را می‌توان به عنوان بهترین مثال برای این موضوع ذکر کرد و فرقی هم نمی‌کند که هنرپیشگی، کارگردانی، سناریونویسی، مدیریت، یا تهیه‌کنندگی باشد. هرگاه کسی که در یکی از این کارها بوده، مثلاً برای گرفتن کار جلدیدی یا دریافت وامی، به جایی مراجعه کنده خیلی امکان دارد که جواب «نه» بشنود. در این صورت، آن عده که از قبل آموخته‌اند و می‌دانند که زندگی توأم با پستی و بلندی است و از این مسائل زیاد پیش می‌آید، به راحتی جواب منفی را تحمل می‌کنند و زیاد ناراحت نمی‌شوند ولی خیلیها هم آن را یک مسئله مربوط به شخص خودشان و توهین به شخصیتشان تلقی می‌کنند و ناراحت می‌شوند.

چرا برای بعضی‌ها سخت است که جواب منفی بدهند و یا جواب منفی دیگران را تحقّل کنند؟ این مسئله‌ای است که به مقوله تعلیم و تربیت مربوط می‌شود. همیشه این طور بوده است که از طرف والدین و معلمان و نیز به وسیله قوانین مثلاً برگرفته از تمدن، به ما این گونه تلقین شده که «باادب» باشیم و احساسات دیگران را خدشه‌دار نکنیم. همیشه به ما این طور وانمود شده که دیگران حتماً باید ما را «دوست» داشته باشند و در نتیجه، بسیاری از ماها تا اندازه‌ای این گونه تربیت شده‌ایم که همیشه احساس می‌کنیم، خودمان در وجودمان یک چیزی «کسر» داریم و کوشش برای «خوب» بودن و توسل به تاکتیک «مورد علاقه دیگران قرار گرفتن» لازم است، تا بدین وسیله ضمیر خودآگاه ما به اعتبار تأیید دیگران، تأیید کند که حالمان خوب است و کم و کسری نداریم و تا تأیید دیگران به دست نیاید ما آدم طبیعی نخواهیم بود.

وقتی شما از چیزی یا کسی خوشتان نمی‌آید هر چقدر هم که سعی کنید خودتان را کنترل کنید و بر اعصابتان مسلط باشید، باز نمی‌توانید از نشان دادن عکس‌العمل منفی اجتناب کنید و از تأثیر منفی این حالت بر روانتان برکنار بمانید. در حقیقت، طوفانی که بر اثر سرکوب کردن احساسات در این حالت، در شما به وجود می‌آید، زیانش خیلی بیشتر از زیان گفتن یک «نه» یا اظهار ساده



● چه لزومی دارد که همه مردم از کارها و خصوصیات شما خوششان بیاید؟ سعی کنید همیشه خودتان باشید و نقش بازی نکنید.

تلقی توأم با تأسف یا حداکثر توأم با یکدورت و عصبانیت - را به جای آن دو حالت غیرمنطقی قبلی - تلقی توأم با نابود شدن شخصیت یا توأم با دشمنی و کینه توزی - انتخاب کرده‌اید.

کسی که می‌خواهد به طور جدی به خوددرمانی روانی بپردازد، باید به طور مرتب این مرحله آسان ولی مهم، یعنی مرحله خودآزمایی «د» را به کار ببندد. بیمارانی که به تنهایی، یا به همراه گروه، تحت معالجه روان‌درمانی قرار دارند معمولاً برای اجرای این مرحله، آن‌را به پزشک معالج خود واگذار می‌کنند و خیلی مایلند که این کار به وسیله او صورت گیرد. این اشخاص اگر خودشان بتوانند آن‌را اجرا کنند، دیگر احتیاج به معالجه به وسیله پزشک را ندارند و دیگر دلیلی ندارد که اجرای آن‌را به دیگری واگذار کنند.

دو نکته دیگر هم هست کسانی که جواب «نه» آنها را خیلی ناراحت می‌کند باید در نظر داشته باشند:

۱- وقتی کسی به شما «نه» می‌گوید منظورش نفی کل وجود شما نیست، بلکه فقط بعضی از خصوصیات و مشخصات شما را نمی‌پسندد و بقیه را می‌پسندد.

۲- چه اشکالی دارد که بعضی افراد مشخص از شما خوششان نیاید؟ واقعاً چه لزومی دارد که همه مردم از کارها و خصوصیات شما خوششان بیاید. سعی کنید همیشه خودتان باشید و نقش بازی نکنید. در این صورت همه چیز خود به خود درست خواهد شد و اگر به دست یک فرد مشخص درست نشد، به دست دیگری درست می‌شود.

آخرین قانون این مطلب که به طور کلی به «سلامت روانی» مربوط می‌شود این است: «وقتی چیزی را می‌خواهید دوست دارید و می‌پسندید بهتر است آن را بجوئید و بخواهید و بپرسید و سراغش را بگیرید. حتی اگر در مقابل جستجوی خود جواب «نه» بشنوید باز بهتر است تا اینکه اصلاً آن را جستجو نکنید و نخواهید و در نتیجه هیچوقت به خواسته‌تان نرسید.»

منبع: فصلی از کتاب خوددرمانی روانی

- دیگر از دنیایی که این قدر پست و غیراخلاقی است، سیر شده‌ام.

- آدم عوضی! حرفهای گنده‌تر از دهانش می‌زند. خیال می‌کند که کیست؟

هر کدام از این تصورات شش گانه شما (ب)، در مقابل حرفهای طرف که نشان‌دهنده نحوه نگرش شما به قضیه است در نوع نتیجه یعنی عکس‌العمل شما (ث)، تأثیر دارد و نتیجه این است که شما یا به کلی از نظر روحی در هم می‌شکنید و نابود می‌شوید و یا دشمن او می‌شوید و کینه‌اش را به دل می‌گیرید و یا هر دو.

روش معالجه آلیس در این گونه موارد، افزودن مرحله «د» به قضیه است، یعنی بررسی و بازنگری تصورات غیرمنطقی مرحله «ب» که آن نتایج ویرانگر و کینه‌آمیز را به وجود آوردند. در این بررسی و بازنگری، جملات و سئوالات زیر مطرح کنید و مورد توجه قرار دهید:

- دلیل طرف برای قطع رابطه چیست؟

- آیا این من هستم که ارزش ازدواج را ندازم؟

- چرا باید من از این مسئله ناراحت شوم؟

- اصلاً چرا باید من خوشبختی و بدبختی‌ام را در گرو این گونه مسائل بدانم؟

- در این دنیای پر از بدی و بی‌عدالتی، چه کاری از من ساخته است؟

اگر این مرحله «د» را که از زبانی نوع نگرش شما به حادثه به کمک طرح سؤالات، با درستی و دقت انجام دهید، مرحله بعدی یعنی مرحله «ای» که یک عکس‌العمل جدید هیجانی است پیش می‌آید. در این مرحله، شما به یک عکس‌العمل کاملاً حساب شده و منطقی می‌رسید. این عکس‌العمل می‌تواند غم‌انگیز باشد یعنی بگویید: «آشنایمان خوب شروع شد. من خیلی متأسفم که ادامه پیدا نکرد و به نتیجه نرسید. ولی خوب، حتماً در این رابطه مشکلاتی وجود داشت که نمی‌شد برطرف کرد» و یا می‌تواند توأم با خشم و عصبانیت باشد یعنی بگویید: «تصمیم او، تصمیمی غیرانسانی و خودخواهانه است ولی غیرقابل تحمل نیست. در این دنیای بی‌اعتبار و پر از ناخوشایندیها، این هم یکی از آن حوادث ناخوشایند است که انسان باید تحمل کند. در این صورت شما یکی از دو حالت منطقی -

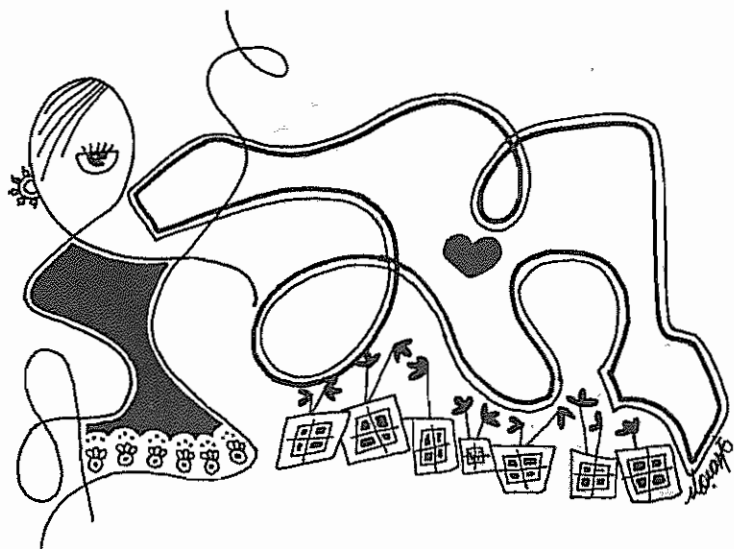
«دوست ندارم» و «میل ندارم» است. حالت آن خانم روان‌پزشک که به من قول کمک داده بود، ولی ناخواسته به مخمصه «خلف وعده» افتاده و دچار عواقب نامطلوب و اعصاب خردکن آن شده بود، مثال خوبی برای اثبات این مطلب است که در مورد سایر مثالهای ذکر شده هم صدق می‌کند، زیرا همه آنها باعث عصبانیت دیگران شدند فقط به این دلیل که نمی‌توانستند به راحتی به دیگران «نه» بگویند و عدم تمایل و یا عدم توانایی خود را برای کاری، صریحاً اعلام کنند.

علاوه بر اینها برخوردهای مهم دیگری هم در زندگی روزمره وجود دارد که نمی‌گذارد از این گونه مسائل، تصور صحیحی داشته باشیم. در حقیقت، این «نه» گفتن دیگران نیست که درون ما را آزرده می‌سازد بلکه نوع برداشت ما از آن و نحوه برخورد خودمان است که باعث می‌شود آن حالت انفعالی به ما دست دهد. اپیک تنوس در قرن اول میلادی گفت: «مردم از خود پدیده، ناراحت نمی‌شوند بلکه ناراحتی آنها نتیجه تصورات و برداشتی است که خودشان از پدیده‌ها دارند.»

آلبرت آلیس، روان‌شناس معروف نیویورکی و پدر روش درمانی، روش خود را بر اساس همین سخن اپیک تنوس بنا نهاده است. این روش را هر کس که از مشکلات هیجانی رنج می‌برد و می‌خواهد از این رنجها راجت شود، باید مورد نظر قرار دهد و رعایت کند. آلیس پریشانی و ناراحتی هیجانی را با فرضیه خود نام به فرضیه «آ.پ.ث.» توضیح می‌دهد: «آ.پ.ث.» علامت حادثه پیش آمده است. مثلاً یک پسر و دختر که در مرحله آشنایی و رفت و آمد خانوادگی قبل از ازدواج قرار دارند، یکی از دو طرف منصرف شود و تصمیم به قطع رابطه و رفت و آمد بگیرد. «ب.» علامت نوع نگرش طرف مقابل به حادثه و موضوع پیش آمده است یعنی نحوه تفکر و ارزیابی او از مسئله. وقتی شما در مقابل یک چنین حادثه‌ای قرار می‌گیرید، نزد خودتان چند تصور پدید می‌آید:

- من دیگر کسی مثل او پیدا نخواهم کرد. - حتماً من دیگر آدم لایقی نیستم. - چه بد شد؟ چرا باید این مسئله برای من پیش بیاید؟ - با پیش آمدن این موضوع، دیگر هیچ کس تصمیم به ازدواج با من نخواهد گرفت.





ثری روان در خدمت

کلیشه‌زنانگی

نقدی بر «جزیره سرگردانی»

نسترن موسوی

مستند و بازآفرینی شخصیت‌های واقعی، فضایی فراهم بیاورد تا خواننده را به نتیجه‌گیری قطعی درباره وقایع معین تاریخی بکشاند. این امر، درست یا نادرست، سلیقه نویسنده‌ای است که از ادبیات، کارکرد دیگری جز لذت جویی را نیز می‌طلبد. نوعی زیبایی‌شناسی هنر و ادبیات، بر آموزشی بودن این دو رسانه تکیه دارد.

اما ظاهراً خانم دانشور نمی‌خواهد «ایدئولوژی زده» باشد، هر چند که کتاب انباشته از بیانیه‌های متفاوت ایشان در باب مسائل اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است. خانم دانشور به حضور دایمی خود در رمان، خواه به صورت راوی و خواه در قالب شخصیت واقعی خود، سیمین، اکتفا نکرده است و از زبان سلیم، شخصیتی که کمابیش آرای سیاسی - اجتماعی کنونی او را بازنمایی می‌کند، بی‌دری آرای در هواخواهی یا کوبیدن این و آن می‌آورد. شخصیت‌های دیگر نیز در گفتگوهای عادی بیانیه صادر می‌کنند. این شیوه کار، بی‌آنکه خطاکاری نیروهای مخالف نویسنده و یا محق بودن دیگران را در متن رمان نشان بدهد، در بهترین حالت، بزرگداشت دوستان از دست رفته و پیشین است و در بدترین حالت، دست‌کم انگاشتن فهم خوانندگان.

خانم دانشور دخالت در سیاست را نمی‌پسندد. دست بالا، آن را حوزه‌ای مردانه می‌داند. از سوی دیگر خود را از پیشینه زندگی شخصی و فضای روشنفکری دهه‌های پیشین نیز نمی‌تواند رها کند. در عین حال اعتقاد ندارد که دخالت در امور سیاسی و اجتماعی تنها بر پایه ایدئولوژی نیست، بلکه نیاز گزیرناپذیر بشر است به این که در ساختن سرنوشت خود دخالت داشته باشد. در واقعیت، آدمها چه آنها که خود را ملزم به دخالت در امر سیاسی - اجتماعی می‌بینند و چه آنها که کنار می‌کشند، درک شدن و عینیت عمل می‌کنند. واکنش

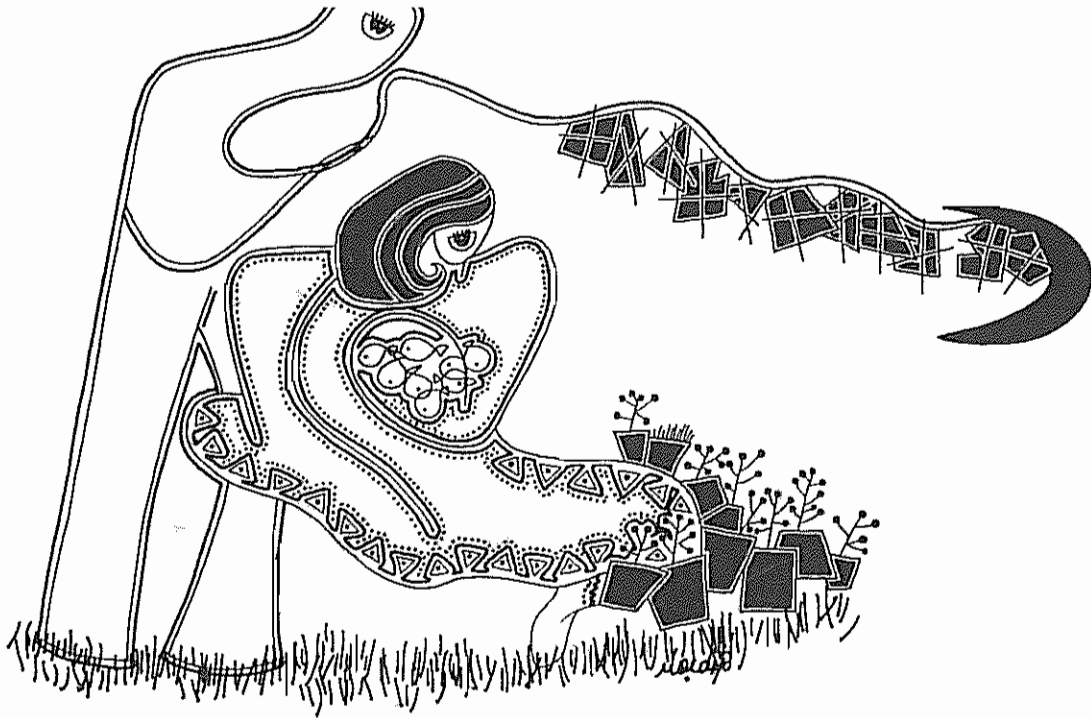
رمان «جزیره سرگردانی» پس از سالها انتظار، با کیفیت از زیر چاپ درمی‌آید و هنوز جزو پرفروش‌ترین کتابها شمرده می‌شود. چنین محبوبیتی ناشی از چند چیز است:

- معروفیت خانم دانشور
- سادگی خط داستانی کتاب
- جانفادگی و پختگی نثر ایشان
- علاقه بیش از اندازه خوانندگان به وقایع تاریخی چند دهه

ویداد کتاب با اشارات تاریخی مشخص (مرگ جلال‌آل احمد) خود شخصیت‌های واقعی، عمدتاً اواخر دهه ۴۰ و اوایل دهه ۵۰ برمی‌گیرد. خوشبختانه این گذشته چندان دور نیست تا از ها رفته باشد. این خود یکی از معیارهای سنجش کتاب است. نیت‌های کتاب به دو دسته واقعی و داستانی تقسیم می‌شوند. مراد، سلیم، استاد مانی، افراد خانواده هستی و سلیم و ن، آدم‌های به خصوصی نیستند اما سیمین، خلیل ملکی، آل احمد نمی‌چهره‌های واقعیند. ■

سبک سیاسی نویسی:

نوا ناخواه خواننده در برابر چنین شخصیت‌پردازی‌هایی، دو جداگانه نشان می‌دهد. با کسانی که واقعیت بر مبنای دانسته‌ها و نیت‌های پیشین خود روبه‌رو می‌شود و درباره آنها می‌شناسد. من جانب‌داری آنها یا مخالفت خوانی‌هایشان با دسته پیشین دآوری. از همان آغاز جبهه دوستان و دشمنان جدا می‌شود. در نتیجه، نده مدام به ارزشگذاری ایدئولوژیک می‌پردازد. پاره‌ای اوقات ویس سیاسی عمداً می‌خواهد با تکیه به رویدادهای حقیقی و



● قیاس دورمان «سوشون»
و «جزیره سرگردانی»، تغییر فاحش
دیدگاه خانم دانشور را نسبت به زنان آشکار می‌کند.

بپوشیم، مامان عشی را مریم مجدلیه بدانیم و دست آخر به این نتیجه برسیم که زنها به درد دخالت در امر سیاسی نمی‌خورند و بهتر است شوهر پولدار به چنگ آورند.

خانم دانشور با سبکی که برگزیده است، ما را از لذت کشف روابط یا دخالت در پدیدآمدن آنها محروم کرده است. چه لذت شگرفی ممکن است دست دهد زمانی که همه چیز، از پیش تعیین شده و بنابر سلیقه فردی نویسنده و نه براساس تحولات درونی شخصیتها و نه حتی براساس بررسی همه جانبه تاریخی، به خورد ما داده شود؟ هر کسی می‌تواند روایت خود را از جدالهای فکری و رویدادهای دو سه دهه گذشته ارائه دهد. اما شایسته نیست قالب و مضامین داستان، به جای آن که خواننده را به فکر اندازد و دست و بال او را با سعه صدر باز بگذارد، با پرداخت تپهای تک بعدی، تعصبات او را تقویت کند.

◀ سوشون در برابر جزیره سرگردانی:

خانم دانشور، سوشون، اثر مشهور خود را نیز با به کار بستن همین روش کهن داستان‌نویسی نوشته است. اما آن رمان به دلیل پرداخت قویتر و گزارش صمیمانه‌تر و درون‌تر از حالات شخصیتها، جذابتر می‌نماید. نه این که سوشون عاری از شعار باشد، اما شعارگویی بر همه اثر چیره نیست، وگرنه وجود شخصیتهای تا به آخر خطاناپذیر (مانند یوسف) کلیشه رایج داستان‌پردازیهای ایدئولوژیک است.

قیاس دو رمان با یکدیگر تفاوت فاحش دیدگاه خانم دانشور را نسبت به زنان آشکار می‌کند. در هر دو کتاب، دو شخصیت اصلی زن همچون شخص خانم دانشور، زیر سلطه سنگین شوهران یا دوستان مرد سیاسی زندگی می‌کنند. برای همه کسانی که به نوعی با این تجربه آشنایی دارند، اضطرابهای زری و تناقضهای هستی، آشنا و دریافتنی است. هر دو، چندان از زن سستی به معنای رایج آن فاصله گرفته‌اند که از سوی مردان سیاسی برگزیده شوند و گاه از آنها به ضرورت تمجید

روزمره هر دو دسته بیشتر عاطفی و شخصی است. در زندگی واقعی، هیچ‌کس از صبح که برمی‌خیزد تا شب که بخوابد شعار نمی‌دهد. حتی تپهایی که خانم دانشور قصد دارد از شخصیتهای قصه بپردازد در زندگی روزانه خود تا این حد چند پاره، نجسب و تصنعی نیستند. به این خاطر گفتگوهای زن و مردی که قرار است با هم ازدواج کنند یا شاگرد و استادی که ساعتی را با هم سپری می‌کنند و یا آخرین دیدار دوستان بی‌اندازه باور نکردنی و سنگین است، به‌ویژه آن که آمیخته به عرفان ریایی نیز باشد^۲. نظرات شخصی سیمین - سلیم درباره ادبیات، عرفان، سیاست و مقولات دیگر بر حوزه‌ای دیگری به جز عرصه رمان جا می‌گیرد.

◀ مضامین آشنا:

خطابه‌های درسی کتاب به کنار، خط روایی آن بسیار ساده است. خانم دانشور به آن نحله ادبی تعلق دارد که با پرداختن به همه مضامین آشنا، داستان را پیش می‌برند. این‌گونه نویسندگان در به کار بستن فنهای جدید برای بهره‌جویی از تمام انرژی ادبی دوران خود پائشاری خاصی ندارند. نمی‌خواهیم بگوییم که دوران این نوع قصه‌سرایی به سر آمده است. مادام که ذهنهای ساده‌اندیش و خوانندگان مشتاق جوابهای حاضر و آماده وجود دارند، نویسندگان موردنظر خود را باز می‌یابند، متقابلاً بر هم تأثیر می‌گذارند و سبب ادامه این شیوه نگارش می‌شوند.

نویسنده‌ای که این شیوه نوشتن را برمی‌گزیند، عملاً هم خوانندگان و هم شخصیتهای داستانش را دچار محدودیت می‌کند. باین بینش، نویسنده بر خواننده پیشی می‌گیرد و اجازه داوری یا دخالت را به او نمی‌دهد. ساخت خدایگان - بنده را نه تنها در ابعاد بزرگ بلکه به کوچکترین و بی‌اهمیت‌ترین روابط تعمیم می‌دهد. در ضمن به دلیل آنکه حضور خود را حتی به افراد داستان نیز تحمیل می‌کند، در ادامه کار امکان تغییر و رشد آزادانه آنان را سلب می‌کند. نویسنده زبردست، دست بالا اجازه می‌دهد شخصیتها در چارچوبی از پیش تعیین شده تغییر یابند. ما محکوم می‌شویم همراه با سلیم - سیمین، استاد مانی و زرش، آل احمد و خلیل ملکی و هستی، عاطفه مراد را قربانی کنیم، ازدواج سلیم و هستی را تبریک بگوییم، مرتضی و فرزانه را شناسیم، از فرخنده بدمان بیایید، بر دودوزه بازی سلیم و هستی چشم